

## نسبت روحانیت با مردم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

1- در اندیشه اسلامی جایگاه مردم و ارتباط آن‌ها با جریان روحانیت را چگونه می‌توان ارزیابی کرد؟

در این مورد خوب است ابتدا به اصل قضیه که جایگاه روحانیت است در قرآن، به آیه 122 سوره توبه توجه کنیم که وقتی شرایط جهاد در میان بود و شور حضور در جبهه‌ها بین افراد اوج داشت؛ آیه آمد: «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً» بنا

نیست که همه مومنین به سوی جبهه حرکت بکنند. «فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي

الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» چرا یک عده‌ای از هر جریان و گروه و منطقه و شهر و طایفه‌ای از آن‌ها حرکت نمی‌کنند برای اینکه در دین تفقه کنند و به شهر و دیار خودشان برگردند، «وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ» و قوم و مردم خودشان را از خطراتی که ممکن است از نظر فکری و معنوی برایشان پیش بیاید متذکر کنند، «لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» امید است آن‌ها از خطرات و انحرافات که برایشان در پیش است حذر کنند.

با توجه به این‌که سؤال می‌فرمایید جایگاه مردم و ارتباط آن‌ها با روحانیت چگونه است؛ می‌خواهم عرض کنم روحانیت در واقع، همان مردم هستند با دغدغه‌های اجتماعی فکری فرهنگی، در میدانی که

دین اسلام برای هرچه بیشتر حاضر شدن مردم در سرنوشت خودشان قرار داده است. لذا قرآن عده‌ای از همان مردم را تشویق و توصیه می‌کند تا با تفقه در دین، دین‌داری بین مردم را رشد بدهند و جاری بکنند و آیه مذکور حکایت مردمی است که با توجه به تعهداتی که نسبت به دین دارند در کسوت روحانیت و در مسئولیت تفقه در دین حاضر می‌شوند. بنابر این چیزی به نام جدایی بین مردم و روحانیت در میان نیست.

## 2- آیا اتصال روحانیت به مردم ضرورت دارد؟

این اتصال نه تنها ضرورت دارد، بلکه همان‌طور که عرض شد اساساً دوگانگی بین مردم و روحانیت مطرح نیست. همان مردم هستند که برای حضور بیشتر در دین وارد کسوت روحانیت می‌شوند. بنابراین اینکه می‌فرمایید این اتصال ضرورت دارد؟ باید عرض کنم ضرورت آن به همان معنایی است که حضور مردمی، در حیات دینی ضرورت دارد و روحانیت در این رابطه نقش‌آفرین هستند.

## 3- علت اتصال روحانیت به مردم را تا کجا لازم

### می‌دانید؟

با توجه به آنچه عرض شد اتصال روحانیت به مردم یعنی حضور دین‌داری در بین افراد جامعه، تا آنجایی که اگر روحانیت به همان معنایی که آیه 122 سوره توبه متذکر آن شد در میدان نباشد عملاً دین‌داری مردم به حاشیه می‌رود. به همین جهت سال‌های اول انقلاب حضرت امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» در مقابل کسانی که شعار اسلام منهای روحانیت

می‌دادند و نادانسته می‌گفتند به روحانیت نیاز نداریم، هرکس خودش به قرآن و روایات رجوع کند؛ فرمودند: «اسلام منهای روحانیت یعنی اسلام منهای اسلام». حقیقتاً هم جواب ایشان بسیار دقیق و واقعی بود. فرمودند: «اسلام منهای روحانیت خیانت است. می‌خواهند اسلام را ببرند، اول روحانیت را می‌برند؛ اول می‌گویند اسلام را می‌خواهیم، روحانیت را نمی‌خواهیم! روحانیت استثنا بشود، اسلام در کار نیست. اسلام با کوشش روحانیت به اینجا رسیده است. (صحیفه امام خمینی، جلد 7 - صفحه 486)

اسلام منهای روحانیت یعنی اسلام منهای اسلام. زیرا اسلام با تفقه و عمیق‌شدن انسان در مبانی و بواطن دین به ظهور اصیل خود نایل می‌شود و می‌تواند جواب روح‌های اصیل را بدهد و عده‌ای از انسان‌های متعهد که دغدغه کمک به مردم را دارند به نام روحانیت در همین میدان و برای تفقه در دین وارد می‌شوند. حقیقتاً این افراد غم مردم را می‌خورند و گرنه با توجه به اینکه بنده بسیاری از آن‌ها را می‌شناسم، آن‌ها با استعداد خوبی که دارند می‌توانند به جای حضور در عرصه تبلیغ دین و روحانیت، در میدان‌های کسب درآمد حاضر شوند.

**۴- ارتباط با مردم از چه جنس ارتباطی است؟**  
**آیا انضمامی است یا حقیقی؟**

حرف اساسی بنده این است که یک نوع یگانگی محض بین مردم و روحانیت برقرار است. عده‌ای که خود را روشنفکر می‌دانند و عموماً افرادی هستند با تفکر غربی و غیر مردمی که خود را تافته‌ای

جدا بافته از مردم می‌دانند و از مردم جدا می‌باشند؛ ممکن است متوجه این یگانگی نشوند و موضوع عدم اتحاد بین مردم و روحانیت را به میان آورند، ولی در درون مردم ابداً این حرفها نیست. یگانگی محض بین روحانیت و مردم برقرار است. در واقع این سوال برای آن‌هایی پیش می‌آید که متوجه جایگاه روحانیت در بین مردم نیستند. عده‌ای غربزده و بیگانه از جامعه دینداران این سؤال را پیش می‌آورند که ارتباط روحانیت و مردم انضمامی است یا حقیقی؟ در حالی‌که مردم روحانیت را کاملاً از خودشان می‌دانند. اصلاً معنی نمی‌دهد برای روحانی و طلبه عزیزی که وارد میدان طلبگی شده، تصویری غیر از آن‌که از همین مردم است و در کنار مردم است؛ داشته باشد. به گفته مقام معظم رهبری «روحانیت سرباز دین است، خادم دین است، از خود، منهای دین حیثیتی ندارد. اگر روحانیت از مسائل اساسی - که نمونه‌ی برجسته آن، انقلاب عظیم اسلامی است - کناره می‌گرفت و در مقابل آن بی‌تفاوت می‌ماند، بدون تردید دین آسیب می‌دید؛

«(بیانات رهبری در دیدار طلاب حوزه علمیه قم، 29/7/1389).

حتی دکتر شریعتی در مورد علماء دین می‌گوید: و اما راجع به «علمای اسلامی»، این را می‌خواهم ادعا کنم و دهها قرینه و نمونه عینی بر اثبات آن دارم، که از میان نویسندگان و سخنرانان و حتی علما و فضلاء معاصر، هیچکس - البته در حد امکانات و نوع کار و کاراکتر خودش - به اندازه من افتخار دفاع جدی و مؤثر عملی و فکری از این

جامعه گرانقدری که امید بزرگ و سرمایه عزیز ماست، نداشته است. در «تشیع علوی و صفوی» نشان داده ام که علمای شیعه، در طول هزار سال تاریخ اسلام، همواره مشعلدار قیام علیه ظلم و پاسدار جنبش عدالتخواهی و آزادی اجتماعی و فکر رهبری علم و تقوا در حکومت و مبارزه مستمر علیه نظام های استبدادی و اشرافی خلافت و حکومت های دست نشانده یا وارث ظلم و غضب بوده اند و پیشاپیش همه نهضت های توده های محروم، و تسلیم ناپذیر. نمونه اش سربداریه در قرن هشتم هجری... تا آنجا که من می دانم، زیر تمام قراردادهای استعماری را کسانی که امضا گذاشته اند، همگی از میان ما تحصیل کرده های دکتر و مهندس و لیسانسیه بوده اند و همین ما از فرنگ برگشته ها. یک آخوند، یک از نجف برگشته، اگر امضایش بود، من هم مثل شما اعلام می کنم که: «آخوند دوست ندارم»!

## **5- ارتباط روحانیت با اقشار مختلف جامعه مثل نخبگان و یا جریان حزب الله و با آحاد مردم چگونه باید باشد؟**

همان ارتباطی که خود رسول الله «صلی الله علیه و آله» و ائمه هدی «علیهم السلام» با مردم داشتند. همه متوجه بودند رسول خدا «صلی الله علیه و آله» از طرف خداوند مأمور نجات مردم اند از ظلمات کفر، و روحانیت نیز ذیل حضور رسول اکرم «صلی الله علیه و آله» احساس تعهد می کند. اگر این روزها رسانه های بیگانه تلاش کرده اند نوعی دوگانگی را بین مردم و روحانیت تبلیغ کنند؛ موجب شده تا کار روحانیت ختیر و دقیق تر شود و

باید با گفتگویی جدی و زنده و اصیل، این فضا را از بین ببرند.

البته شرایط، شرایطی است که به خاطر تبلیغات جهان مدرن و یا ظرفیت‌هایی که بشر جدید دارد، آن باورهای ذهنی و مفهومی نسبت به دین دیگر برای حضور مردم در دین‌داری کافی نباشد و نیاز است مردم در جان خود یک نوع احساس حضور دین‌داری را بیابند و این با گفتگو در بین روحانیت و مردم و در بین کسانی که تعهد دینی دارند، پیش می‌آید. انسان جدید معنویت و معرفتی را نیاز دارد تا در جهان جدید بتواند حاضر شود و به نظر بنده آرام آرام آن نوع حضور دینی در حال طلوع است که نیاز به شرح بیشتری دارد و ان شاء الله در ادامه روشن می‌شود.

## **6- آیا روحانیت تافته جدا بافته است و احترام به شأنیت آن‌ها در اجتماع اطلاق دارد؟**

در واقعیت ابداً این حرف‌ها نیست. احترام به علم و عالم، شأن جامعه سالم و فرهیخته است و این غیر از آن است که گمان شود آن‌ها تافته‌ای جدا بافته نسبت به دیگر مردمان باشند. معلوم است مردم وقتی می‌بینند از طریق روحانیت از هزاران فتنه و آفت نجات پیدا می‌کنند؛ به احترام آن هدایت الهی که آن‌ها سبب شده‌اند و تاریخ گواه این امر است، به آن‌ها علاقه دارند و بزرگشان می‌دارند. شما ملاحظه کردید در تشیع پیکر استاد فاطمی نیا چه غوغایی شد. مردم چه نسبتی با این مرد داشتند که این‌طور احترام

برای‌شان قائل شدند؟ جز این بود که در نسبت با ایشان متوجه می‌شدند جواب نیاز به هدایتی که در جان‌شان احساس می‌کردند را از طریق ایشان می‌یافتند؟

## 7- کدام قشر از روحانیت می‌تواند نقش امامت و رهبری مردم را به عهده بگیرد؟

روحانیتی که در دل مردم به حکم وظیفه و با عمق معرفتی لازم جا پیدا کرده و همان وظیفه‌ای را که در آیه ۱۲۲ سوره توبه متذکر شد به عهده گرفته و احساس وظیفه کرده که در خدمت مردم باشد. این نشان می‌دهد که مردم می‌فهمند که این روحانیت دارد حقیقت را می‌گوید. همان‌طور که عرض کردیم تفقه در دین، یعنی سیر بکنیم به عمق حقیقتی که در دین هست و آن را با مردم در میان بگذاریم، زیرا دینداری در معارف و اخلاق و احکام وسعت دارد و روحانیت جوان ما بحمدلله حامل هر سه موضوع هستند. شما نمونه روشن این جامعیت را در حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» و رهبر معظم انقلاب و علامه طباطبایی و امثال آن‌ها به خوبی یافته‌اید و روحانیت واقعی در این راستا در میدان حاضرند. اگر ملاحظه کنید می‌یابید که آن‌ها در عین این‌که بر اساس دلسوزی برای مردم، این‌طور سراغ دین رفتند و حقیقت زندگی و انسانیت را یافتند و همان را با مردم در میان گذاشتند، مردم هم احساس کردند چه اندازه به این افراد نیاز دارند.

## ۸- مفهوم حلقه‌های میانی در جریان روحانیت چگونه محقق می‌شود؟

در واقع روحانیت به یک معنا همان حلقه‌های میانی هستند که از یک طرف از طریق ارتباط با مردم، متوجه دغدغه‌های مردم هستند و از طرف دیگر با آگاهی که از رهنمودهای شریعت الهی دارند، می‌دانند در رفع مشکلات مردم چه کار کنند. در واقع روحانیت به یک معنا نه مسئولیت‌های اداری دارند و نه مانند مردم عادی تحت‌تأثیر روزمرگی‌ها شده‌اند. از این جهت مصداق حلقه‌های میانی همین روحانیت‌اند که به عهده گرفته تا خلأهایی را پر کنند که نمی‌توان از مسئولین رسمی کشور انتظار داشت. عده‌ای باید به میدان بیایند و آن خلأها را پر کنند که به تعبیر مقام معظم رهبری آن‌ها حلقه‌های میانی می‌باشند و به نظر بنده تعبیر بسیار خوبی است برای روحانیتِ دلسوز و مردمی که به جای دستور دادن و طلب‌کاربودن، به فکر چاره هستند برای رفع مشکلات.

## ۹- ویژگی‌های بارز یک روحانی مردمی چه می‌تواند باشد؟

به نظر بنده طلبه واقعی در عین درک عمیق دین، شخصی است ساده زیست با همان سبک ذی‌طلبگی و تواضع، در عین طبیبِ دوّار بودن. یعنی طبیبی که در هر کوچه و برزنی حرکت می‌کند تا مشکلات روحی و فکری و خطاهای عقیدتی مردم را رفع بکند و با تذکرات دلسوزانه خود حقیقتاً به مردم کمک می‌کند. در مورد خود بنده همان روحانیون محل



بودند که با دلسوزی به ما سر می‌زدند، با ما رفاقت می‌کردند، حتی می‌آمدند کنار ما و می‌ایستادند تا بازی ما تمام شود و می‌گفتند خُب حالا برویم به مسجد. آن‌ها ما را با مسجد آشنا کردند با همان تواضع و سادگی. ما هرچه داریم از روحانیتی داریم که خصوصیاتشان این‌گونه بود که در عین فهم عمیق دین، اهل گفتگو بودند حتی در دوره دانشجویی ما از طریق همان روحانیون جواب مسائل خود را می‌گرفتیم چون در جریان مسائل روز بودند. نمونه روشن آن مرحوم شهید مطهری و آیت‌الله مهدوی کنی. در این زمانه طلبه‌های جوان ما با توجه به شرایط جدید، حقیقتاً به خوبی نقش‌آفرین می‌باشند و نه‌تنها در مسجد و منبر، حتی با حضور در مدارس و یا در فضای مجازی، گرما آفرین هستند.

## **10- مرجعیت حوزه و روحانیت را در برهه کنونی چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

عرض بنده این است که در نسبت با تاریخ جدید نیاز است که ورود فعالانه‌تری داشته باشیم. عنایت داشته باشید که در برهه کنونی مسائلی برای بشر جدید پیش آمده است و بشر جدید تعریفی از خود دارد که در این تعریف، دین‌داری معنی خاصی پیدا می‌کند. یک زمانی شما باورهای مردم را تقویت می‌کردید و چون از نظر عقلی و مفهومی به خدا و قیامت باور داشتند می‌توانستند زندگی دینی را در همان راستا ادامه بدهند. ولی اگر بپذیریم بشر جدید در جهان خودش زندگی می‌کند که

به اصطلاح می‌گویند «بشر، سوژه خودش شده است»، ما باید با این بشر با توجه به این حضوری که نزد خودش دارد، معنویتی را در دل همین حضور برایش پیش بیاوریم. اینجاست که با یک گفتگو متوجه ابعاد روحانی خودش می‌شود که تحت عنوان فطرت بحث می‌شود. یعنی امروزه این‌که ما تکلیف دینی آن‌ها را به آن‌ها تذکر بدهیم و آنها هم از خدا بترسند و عمل کنند، عمومیت ندارد. این برای عده‌ای از مذهبی‌ها مؤثر است ولی برای نسل جدید کافی نیست. او باید در درون خودش یک نوع حس معنوی را بیابد و این با گفتگو پیش می‌آید و او با نظر به انسان‌های متعالی که حس کند آن‌ها از جنس خود آن‌هاست، بیشتر خود را احساس می‌کند، که نمونه آن را در نسبتی که با شهید حاج قاسم سلیمانی احساس کردند، ملاحظه نمودید. در زمان ما خود حضرت امام «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» نقش اساسی در این رابطه داشتند، که امری بود فوق باورهای دینی، نوعی حضور در شخصیت ایشان برای ما پیش می‌آمد.

## **11- آیا حوزه و روحانیت امروز مرجعیت اجتماعی گذشته را دارد؟ بیشتر شده است یا کمتر؟**

نسبت به آینده‌ای که در پیش هست به نظرم رجوع مردم بیشتر می‌شود. زیرا مردم بعد از مدتی به خود می‌آیند که چگونه تحت‌تأثیر این روزمرگی‌ها و حضور در جهان به اصطلاح سکولار، با خلأهایی روبه‌رو شده‌اند که برایشان قابل تحمل نیست. به طلاب عزیز عرض کردم، در آینده، مردم طوری به شما رجوع می‌کنند که شما دیگر فرصت پاسخ‌گویی

ندارید. زیرا اینها فعلاً تحت‌تأثیر فضای مجازی هستند. ولی این فضای مجازی با دروغ‌ها و توهماتی که ایجاد می‌کند بالاخره نمی‌تواند خودش را در جان انسان‌ها ادامه بدهد و مردم به خود می‌آیند و از آن طرف در دل تاریخ انقلاب اسلامی، آن حماسه‌ها و شهادت‌ها مدّ نظرشان است که همه زمینه می‌شود برای عبور از آن فریب‌ها به سوی حقیقت. اینجاست که به شدت به طرف روحانیت اصیل بر می‌گردند. پس به نظر می‌آید روحانیت ما باید خود را آماده یک آینده بزرگی بکند.

## **12- عوامل صعود و نزول مرجعیت حوزه و روحانیت چه می‌تواند باشد؟**

همان‌طور که عرض شد، همان سادگی، در عین فهم عمیق همه جانبه از دین و از انسان جدید، و هر چه بیشتر بشر جدید را شناختن، از عوامل صعود مرجعیت حوزه می‌باشد، تا به جای این‌که بگوییم تکلیف است عمل کن؛ راه گفتگو با او را به میان می‌آوریم و در این رابطه ابعاد متعالی انسان‌ها را با آن‌ها در میان بگذاریم. یکی از بحث‌هایی که در روایات ما بر آن تأکید شده است «معرفت نفس» است. چون در معرفت نفس انسان متوجه ابعاد مجرد و بی‌کرانه خود که تا ابد در پیش خودش هست، می‌شود. حال اگر بتوانیم در همین حضوری که با معرفت نفس با او در میان می‌گذاریم انتخاب‌های متعالی که دین متذکر آن است را مطرح کنیم، به خوبی می‌پذیرد زیرا آن دستورات را لازمه نیاز خودش احساس می‌کند؛ به جای این‌که

انتخاب‌هایی بکند که یا مناسب ابعاد متعالی‌اش نیست، مانند آرزوهای دنیایی، و یا جایگاه آن‌ها را نمی‌داند؛ انتخاب‌هایی برایش پیش می‌آید که خود را در حس ابدیتش، متعالی و روشن و گسترده احساس می‌کند.

### **13- حوزه انقلابی همان حوزه مردمی است؟**

بله. حوزه انقلابی، حوزه مردمی جهت‌دار است و نه مردمی که گرفتار روزمرگی‌ها می‌باشند. حوزه، همین مردم‌اند که سعی کرده‌اند در سبکی متعالی و در عین وارستگی، در نزد خود و در کنار مردم باشند و متذکر شوند چه راهی در پیش است. ملاحظه کردید که چگونه عده‌ای با فهم صفات حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» با تمام وجود به دین رجوع کردند، زیرا ملاحظه کردند چه اندازه حضرت امام از خودشان است. از این جهت تأکید دارم حوزه، تماماً مردمی است و دقیقاً آنچه را که مردم در جان خود نیاز دارند متذکر می‌شود. این جریان معاند است که با برجسته‌کردن ضعف‌های کوچک، کلیت روحانیت و حوزه را زیر سؤال می‌برد. بنده با شناختی که دارم ادعا می‌کنم 99 درصد روحانیت ما شدیداً مردمی هستند، با ذی طلبگی و دلسوزی فراوان و با سادگی تمام. حال بالاخره یک انحرافی در یکی پیش می‌آید، دشمن آن را بزرگ می‌کند تا این سرمایه بزرگ مردمی جهت‌دار متعالی را از مردم بگیرد و به حاشیه ببرد. در زمان آیت‌الله بروجردی «رضوان‌الله‌علیه» به ایشان گفتند یک طلبه‌ای را گرفتیم که دزدی کرده است. ایشان فرمودند که نه

آقا، یک گرگی آمده است در لباس میش‌ها، چون راحت‌تر می‌تواند دزدی بکند. گرگ وقتی که در لباس میش می‌آید چندان گوسفند را می‌درد اما اگر از آن دور به صورت گرگ بیاید، گوسفندها فرار می‌کنند. این را که ما نباید پای گوسفندها بگذاریم. بنده نکته‌ای که عرض می‌کنم با تمام وجود تجربه کرده‌ام که بیش از ۹۹ درصد روحانیت ما بسیار بسیار مردمی و دلسوز و غم مردم را دارند. و از طرفی بنده واقعاً نسبت به معیشت روحانیت نگران هستم. سختی‌های معیشتی آن‌ها بیش از اندازه است، ولی به خاطر تعهدشان تحمل می‌کنند. همسران آن‌ها چه اندازه بزرگ و فهمیده‌اند، وگرنه شرایط قابل تحمل نبود.

#### **۱۴- انقلاب اسلامی، چگونه روحانیت و مردم را پیوند داد؟**

ما باید متوجه باشیم در بستر درک تاریخی که از طریق انقلاب اسلامی آغار شده است، روحانیت همان معنای تاریخی انقلاب اسلامی را تذکر می‌داد و از این جهت انقلاب اسلامی بستری است تا انسان‌ها خود را در معنویت بیشتری درک کنند و این را روحانیت به خوبی می‌تواند به عهده بگیرد. روحانیت به کمک معارف دینی به خوبی می‌تواند جایگاه تاریخی انقلاب اسلامی را روشن کند، از آن جهت که انقلاب عطای بزرگی است برای این‌که انسان‌ها در عین حضور در جهان جدید، هویت قدسی خود را احساس کنند. از آن مهم‌تر شما اگر شرایط شکل‌گیری انقلاب اسلامی را در سال‌های قبل از انقلاب

دنبال بفرمایید؛ با تمام وجود قبول می‌کنید که روحانیت بودند که نقش تحقق انقلاب اسلامی را به عهده داشتند و مردم را به صحنه آوردند و گرنه هرگز مردم به آن صورتی که به صحنه آمدند با تلاش دیگر اقشار به میدان نمی‌آمدند و البته اکثر جریان‌های دیگر هم نمی‌خواستند جدا از روحانیت باشند.

## 15- حضور روحانیت در گلوگاه‌های سرنوشت‌ساز اجتماعی چگونه باید باشد؟

از نظر بنده باید «سلحشورانان و آگاهانه» به میدان بیایند. نمونه‌اش شهید اندرزگو به طور خاص است، زیرا روحانیت نقش خواص را به عهده دارند که باید آگاهی خود را نسبت به حقیقت و نسبت به زمانه نشان بدهد و پنهان نکند. حتی در روایتی داریم اگر عالمی علم خود را پنهان بکند و آن حقی را که باید بگوید پنهان کند، در قیامت لگام آتشین به دهانش می‌گذارند<sup>1</sup>. بنابراین حضور روحانیت در گلوگاه سرنوشت‌ساز اجتماعی این است که سلحشورانان و آگاهانه حق را بگویند. همان‌طور که مرحوم شهید مطهری فریاد زدند. امام خمینی در جریان کاپیتولاسیون بالای منبر رفتند و فرمودند: «آن‌هایی که می‌گویند من خفه بشوم، حالا هم خفه بشوم؟» و متذکر شدند از طریق لایحه کاپیتولاسیون مردم را فروختند. خداوند امام را

---

<sup>1</sup> - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده اند: «مَنْ كَتَمَ عِلْمًا نَافِعًا عِنْدَهُ أَلْجَمَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِلِجَامٍ مِنْ نَارٍ». پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس از دانشی سودمند برخوردار باشد و آن را مخفی نگه دارد، در روز قیامت خداوند بر او لگامی از آتش زند.

با اولیای معصوم «علیهم السلام» محشور کند. این یعنی در گلوگاه‌های سرنوشت‌ساز که خطر هم داشت، عافیت‌طلبی نکردند و دیدید که چگونه روحانیت با مردم همراهی کردند.

## **16- آیا روحانیت مسئول دین‌داری و دنیا‌داری مردم‌اند؟**

سخن بنده آن است که هرکس مسئول دین‌داری و دنیای معنوی خودش است. هرکس باید مسئولیت اینکه اگر بی‌دین بشود هلاک می‌شود را بپذیرد و متوجه باشد اگر دنیای او بیرون از دین‌داری‌اش باشد هلاک می‌شود. این جا است که روحانیت متذکر می‌شود که ای انسان‌ها اگر گرفتار دنیا شدید، اگر دین‌داری را فرو گذاشتید، با انواع پوچی‌ها و نیست‌انگاری‌ها روبه‌رو می‌شوید. در واقع می‌شود گفت روحانیت متذکر این نکته مهم می‌باشد که مردم بدانند تنها با دین‌داری امکان زندگی حقیقی و صحیح و شادگونه برایشان هست.

## **۱۷- چگونه می‌توان به حوزه و روحانیت نسبت به حرکت مردمی قوت داد؟**

باید روحانیت به مردم تذکر بدهند که در ادامه رژیم گذشته خطرهای بزرگی موجودیت ما را تهدید می‌کرد. ما در نظام گذشته با اقتصاد نئولیبرالیسم یعنی اقتصادی که یک عده‌ای گلوگاه‌های زندگی مردم را به دست می‌گرفتند، روبه‌رو بودیم و متأسفانه در دل انقلاب با غفلت‌هایی که داشتیم این‌ها همچنان ماندند. وقتی مردم از زبان روحانیت این نکات را بشنوند و

متذکر شوند، روحانیت هم بشر جدید و جوان جدید را درک می کند و هم از مشکلات خبر دارد؛ مطمئن باشید نسبت مردمی بودن روحانیت که در ذات روحانیت نهفته است بیش از پیش جلوه می کند.

**18- بعضی گفته اند عامه مردم از وضع موجود راضی نیستند و این را به حساب روحانیت گذاشتند، نظر جناب عالی چیست؟**

معلوم است تلاش دشمنان این ملت آن است که نسبت بین روحانیت و مردم را که راز استقلال و عزت این ملت است، به هم بزنند. وقتی ما متوجه این امر شدیم، موضوع را طور دیگر می فهمیم و آن این است که اتفاقاً این روحانیت است که تلاش می کند وضع موجود به وضع مطلوب تغییر کند. باید شدیداً متوجه این امر باشیم، زیرا نسبت مردم با روحانیت، نسبت اصیلی است و از این جهت آن ها از همه بیشتر دغدغه مردم را دارند. رهبر معظم انقلاب «حفظه الله تعالی» در یکی از صحبت هایشان که با مردم قم داشتند می فرمایند: «یکی از کارهایی که امروز به شدت در برنامه ریزی های دشمنان انقلاب و دشمنان نظام جمهوری اسلامی مطرح است، عبارت است از حساسیت زدایی نسبت به اصول و بنیان و مبانی انقلاب اسلامی» می خواهند این حساسیت را نسبت به این مبانی که یکی از آن ها حقیقتاً روحانیت است تضعیف بکنند. در صورتی که به قول حضرت آقا اصلاً جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی برای حاکمیت دین خدا تشکیل شد تا جامعه با شکل و هندسه دینی زندگی کند و تنظیم بشود. مردم



خودشان را نثار کردند برای اینکه این اتفاق بیافتد. دشمن می‌خواهد این حضور را تضعیف کند، و ما حالا باید مواظب باشیم عرصه دین که روحانیت در این رابطه می‌تواند به خوبی کمک کند، از بین نرود. رهبر معظم انقلاب تأکید دارند: عرصه فعالیت دین تمام گستره زندگی بشر است از اعماق قلب او تا مسائل اجتماعی و مسائل سیاسی و مسائل بین‌المللی، تا مسائلی که به مجموعه بشریت ارتباط دارد و روحانیت است که در این رابطه می‌تواند کمک کند تا این عرصه‌ها به درستی شکل بگیرد.

حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» در بیانیه منشور روحانیت خواستند همین حضور را با روحانیت در میان بگذارند و این‌که چگونه روحانیت می‌تواند در قامت سبکی فاخر به کمک مردم بیاید. در آن صحبتی که رهبر معظم انقلاب با مبلغین و روحانیون داشتند، فرمودند: خیلی کار بزرگی در پیش است. ما باید در تبلیغ آن چه که باید با بشر جدید در میان بگذاریم بیشتر خودمان را آماده بکنیم. فرمودند: بنده نسبت به تبلیغ نگران هستم. به همان معنایی که هدف نهایی تبلیغ ارتقاء انسان در مسیر خلیفه‌الهی است. باید هرچه زودتر ما این را متوجه بشویم و در میدان بیاییم. بین دین‌داری و کفر جنگ است، جنگ حقیقت و توهم. وظیفه ما این است که حقیقت را به میان بیاوریم تا توهمات ساخته فرهنگ مدرنیته از بین برود و در این رابطه باید انسان‌ها و دغدغه‌های امروزین

آنها را بشناسیم. به تعبیر رهبر معظم انقلاب باید مخاطبشناسی بکنیم، مخاطبشناسی یعنی بفهمیم بر روح و روان انسان جدید چه می‌گذرد. وقتی مردم ملاحظه کردند چه اندازه روحانیت به روح آنها نزدیک است، معلوم است از گسستی که با حیل‌های ایجاد دشمنی بین آنها و روحانیت پیش آمده، عبور می‌کنند. و از این جهت عرض شد یقیناً مردم در آینده رجوع شدیدی به روحانیت دارند و زبان حال آنها این می‌شود که:

زودت ندهیم دامن از دست دیر

آمدی ای نگار سرمست

امید است بتوانیم وظیفه خود را در فهم جایگاه روحانیت بشناسیم و آن را ادامه دهیم که این وظیفه‌ای است مهم و اساسی.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته